**باسمه تعالی**

**خارج اصول**

۲۸/۲/۹۲ تزاحم - مرجحات باب تزاحم

**مرجحات باب تزاحم(تصحیح واجب مهم هنگام ترک واجب اهم)**

بحث سر این بود که کسی که وضو برایش ضرری هست ضرری که وضو گرفتن حرام نیست ولی خب حرجی هست و وضو واجب نیست این شخص می‌تواند تیمم کند ولی اگر تیمم نکرد و وضو گرفت آیا وضویش صحیح هست یا صحیح نیست مرحوم صدر فرموده بودند که وضویش صحیح هست به جهت ادله اوامر استحبابی وضو استاد ما آقای حائری در حاشیه مباحث الاصول اشاره می‌فرمایند آیه شریفه‌ای که «فَتَیَمَّمُوا صَعیدًا طَیِّبًا» را ذکر کرده ظهور در وجوب تعیینی دارد که لازمه آن بطلان وضو هست بعد اشکالاتی را به این استدلال مطرح می‌کنند یکی اولین اشکالی که هست آن این هست که این آیه ظهور در وجوب تعیینی ندارد به دلیل اینکه در مقام توهم حذر هست و امر در مقام توهم حذر ظهور در وجوب ندارد همچنین روایاتی که در این باب وارد شده اینها در مقام توهم حذر است ظهور در وجوب ندارد خود ایشان پاسخی که می‌دهند این هست که در جایی که اصل اینکه امر در مقام تحریک باشد روشن نیست نمی‌دانیم که امر در مقام ترخیص هست یا در مقام ترخیص نیست اینجا ظهور امر در وجوب با اینکه در مقام توهم حذر هست از بین می‌رود ولی در جایی که نه ما می‌دانیم امر برای تحریک هست ولی نمی‌دانیم این تحریک خصوصیت دارد یا نه در مقام بیان این هست که شق دیگرش واجب نیست احتمال دارد که شق دیگرش واجب باشد این نمی‌دانیم در مقام بیان این هست که آن شق واجب است یا این شق علی أی تقدیر در واقع دوران امر بین این هست که متعلق امر مصداق تعیینی واجب باشد یا مصداق تخییری واجب باشد علی أی تقدیر واجب است ولی نحوه وجوبش را نمی‌‌دانیم اینجا امر در مقام توهم حذر بودن به ظهور امر در وجوب لطمه وارد نمی‌کند عرض کردیم این جواب تام نیست و حالا تعبیر دوران امر در مقام توهم حذر است و اینها به این تعبیر هم نگوییم اساساً در جایی که امر به

اسهل طرق می‌شود، امر به اسهل طرق ظهور در تعیینیت ندارد و می‌تواند در مقام بیان این باشد که لازم نیست آن شیء بیشتر را انسان بیاورد نمی‌خواهیم حالا اسمش را می‌خواهید مصداقی از مصادیق قانون اینکه امر در مقام توهم حذر قرار بگیرد یا خودش یک قاعده مستقل قرار بدهیم که امر به راه راحت ظهور در تعیین ندارد مثالش هم می‌زدیم به بحث فرض کنید اگر گفتند که شما اگر فلان کار را انجام بدهید یک میلیون تومان پول بدهید مرخص می‌شوید ما احتمال می‌دهیم اگر کسی دو ماه زندان هم تحمل کند بتواند این کار را انجام بدهد اینکه بگوییم تعیّن دارد پول و دو ماه زندان جایگزینش نمی‌شود این ظهور ندارد نمی‌خواهیم بگوییم که ظهور دارد که دو ماه زندان هم کفایت می‌کند بحث ظهور در کفایت او نمی‌‌کند ولی ظهور در تعیّن این شیء هم نمی‌کند دیگر به اصل عملی تمسک کرد که می‌شود دوران امر بین تعیین و تخییر هر طور آنجا حالا ما قائل شدیم ما عمدتاً مطلب دیگری را عرض می‌کردیم پرسش: ... پاسخ: ظهور در کفایت اصعب ندارد فرض کنید اگر گفتند که یک میلیون تومان بدهید مرخص می‌شوید این معنایش این نیست که اگر دو ماه هم زندان بروید که سخت‌تر است آن هم مرخص می‌شوید نسبت به زندان سکوت دارد ممکن است زندان هم کفایت کند بنابراین اگر یک دلیل دیگری مثلاً داشتیم که گفت که یا یک میلیون تومان یا دو ماه زندان با او تعارض ندارد یا اگر آن هم نبود دیگر بحث می‌شود داخل دوران امر بین تعیین و تخییر. ما عرض می‌کردیم اینکه امر در مقام توهم حذر هست این در جایی ظهور در وجوب پیدا می‌کند که احتمال مطرحی که باشد منحصر باشد در توهم حذر احتمالی که در مورد سؤ‌ال مطرح باشد اما در جایی که احتمالات مختلف وجود داشته باشد هم توهم وجوب دارد هم توهم حرمت دارد اینجا امر بکنند اینجا ظهور در وجوب دارد پرسش: توهم فقط حرمت ... پاسخ: جایی که هست فقط توهم حرمت دارد یعنی آن چیزی که مطرح هست این طوری تعبیر بکینم ممکن است منِ مخاطب احتمالات مختلف را هم بدهم منِ متکلم ولی آن چیزی که موقع صدور حدیث مطرح بوده در واقع اینکه امر در مقام توهم حذر هست ما می‌گوییم یک مقداری بازگشت به این می‌کند که آن وجهی که در هنگام

صدور حدیث مطرح بوده حدیث به آن وجه منصرف می‌شود آنجا این نکته‌ای که مطرح هست این است آیا واجب هست یا واجب نیست حرام است یا حرام نیست اگر گفتند که این کار را بکن یعنی حرام نیست و این در واقع بازگشت می‌کند به تأثیر شأن نزول و شأن صدور در ظهور روایت. کما اینکه مثلاً جاهایی که یک سیره عقلایی وجود داشته باشد می‌گویند امری که هست روایتی که هست ناظر به آن سیره عقلایی خواهد بود مگر بر خلافش تصریح بشود ظهور ابتدایی اوامر شرعیه در جایی که یک سیره عقلایی باشد این است که ناظر به او هست در جایی هم که یک موضوعی مطرح هست یا سابقاً مطرح بوده یک حالت بعدیش را دارم ذکر می‌کنم اینجا ظاهرش این است که می‌خواهد بگوید آن حالت سابق از بین رفت «وَ إِذا حَلَلْتُمْ فَاصْطادُوا» قبلاً در زمان احرام صید حرام بود می‌خواهد بگوید حرمت برداشته شد یا جایی که توهم حرمتی دارد اگر امر کردیم می‌خواهد بگوید آن توهم بر طرف شده ولی در جایی که نه هم احتمال دارد یک امر تعبدی خاص هست ما احتمال می‌دهیم برای شخص مریض اصلاً تیمم تعیّن داشته باشد خود عرف هم این طور نیست که یک ذهنیت خاصی در این مورد داشته باشد که یا حرام است یا مخیر هست یا حرام نیست آن چیزی که مطرح باشد حرمت و عدم حرمت باشد که این امری که اینجا هست ناظر به نفی الحرمة باشد این محصل عرضی که ما در جلسه سابق عرض کردیم. من بعد یک نکته‌ای به ذهنم رسید که این روایاتی که ... حالا بحث آیه قرآن یک بحث، بحث دیگر بحث روایات ما نحن فیه است حالا یک مطلب دیگری را عرض بکنم بعد بیایم در روایات. آقای حائری یک جواب دیگری به این ظهور امر در تعیینیت تیمم دادن که جواب سومشان هست پرسش: ... مباحثی که می‌فرمایید فقط در بحث حرج هست این ضرر که دیگر این صحبتها پیش نمی‌آید دیگر یک نفر توهم ترخیص داده باشد یعنی می‌خواهم عرض کنم که در ضرر ... پاسخ: ضرر خصوصیتی ندارد اصلاً ضرر به اعتبار حرج هست، ضرر به اعتبار حرج هست. حالا آن بحثش بماند. پرسش: ... پاسخ: در ضرر هم می‌تواند این بحث بیاید پرسش: تصورش یک مقدار مشکل هست ... پاسخ: نه تصورش مشکل نیست ولی حالا

کلیت را عرض بکنم حالا مورد بحث ما مورد حرج هست پرسش: ... پاسخ: بگذارید از این زاویه بکنیم چون آنها یک سری بحثهایی که دارد که اصلاً لا ضرر در اینجاها می‌آید نمی‌‌آید اینها این را فعلاً بگذارید وارد آن بحث نشویم از مسیر بحث خارج می‌شویم اجمالاً عرض بکنم، البته این موضوعی که آقای حائری و آقای صدر مطرح کردند صورت حرج است ولی به طور کلی صورت ضرر هم اینها را قائل نیستند اینکه لا ضرر اصلاً در احکام مثل وضو و اینها نمی‌‌آید بنابر تحقیق لا ضرر جایش اینجاها نیست حالا اینکه این را به عنوان اصل مفروض بپذیرید حالا اگر آن هم نباشد محل کلام ما فعلاً جایی هست که بحث حرج مطرح هست یک وجه سومی را آقای حائری مطرح فرمودند که من می‌خواهم این وجه را عرض بکنم در موردش صحبت بکنم پرسش: ... پاسخ: وجه سوم برای‌پاسخ به این مطلب که آیه شریفه دالّ بر تعیّن است تیمم است بنابراین وضو باید باطل باشد وضوی که در ظرف حرجی بودن انجام می‌شود به تعبیر دیگر ظاهر آیه عظیمت بودن تیمم هست وجه سوم این هست درست است ظاهر آیه عظیمت بودن است مثلاً ولی روایاتی وارد شده که از آن استفاده می‌شود که نه! ظاهرش این است وجوب، وجوب تخییری است می‌گوید در صحیحه محمد بن مسلم هست «قال: سألت أبا جعفر (علیه السلام) عن الرجل تکون به القرح و الجراحة، یجنب؟ قال: لا بأس بأن لا یغتسل، یتیمم» مانعی ندارد که غسل نکند این تیمم می‌کند یا در نقل صدوق این هست «لا بأس بأن یتیمم لا یغتسل» می‌گوید مانعی ندارد کأن این داخلش این است که اشکالی ندارد تیمم کند ولی تیمم هم کرد کرد غسل هم کرد غسل کرد کأن ظاهرش وجوب تخییری هست و امثال اینها. البته باید دید این روایات چنین ظهوری را دارد که این لا بأس می‌خواهد بگوید که مخیر هستی یا صرفاً می‌خواهد بگوید غسل واجب تعیینی نیست تنها نفی وجوب تعیینی غسل را می‌کند اگر خب نفی وجوب تعیینی غسل را فقط بخواهد این روایات بکند آیه که می‌گوید تیمم تعیّن دارد با همدیگر معارض نیستند اینها می‌گوید غسل وجوب تعیینی ندارد آیه می‌گوید تیمم وجوب تعیینی دارد هر کدام به یک چیزی ناظر هستند به هم ربطی ندارند خب حالا. من عرضم این هست که حالا در مورد

صحیحه محمد بن مسلم یک بحث این هست که این روایت، از محمد بن مسلم در این موضوع یک سری روایاتی وارد شده یک روایت دیگری هست پرسش: آقای حائری ... پاسخ: نه این برای نفی تعیینی بودن است می‌گوید روایاتی داریم که ظاهرش می‌گوید آیه ولو ظهور در تعیینیت دارد ولی از بعضی روایات استفاده می‌شود که ظهور در تخییری بودن دارد کأن اینها باعث می‌شود که ما آیه را مثلاً از این معنایش رفع ید کنیم پرسش: ... پاسخ: وجه‌هایی که همه‌اش را آقای حائری در حاشیه آورده سه تا وجه را در حاشیه آورده من وجه دومش را الان نقل نکردم وجه سوم را دارم نقل می‌کنم به دلیل اینکه بحثهای روایی به همدیگر مرتبط هستند یک وجه دومی دارد که حالا آن را بعداً در موردش صحبت می‌کنیم این روایت محمد بن مسلم که ایشان می‌فرمایند به نظر می‌رسد که یک نقل دیگری وجود دارد یک وجه دیگری وجود دارد یک روایت دیگری وجود دارد که اینها یک روایت باشند آن روایت این هست «عن محمد بن مسلم، عن أحدهما (علیهما السلام)، فی الرجل یکون به القروح فی جسده فتصیبه الجنابة، قال: یتیمم» دیگر «لا بأس بأن یتیمم لا یغتسل» در این نیامده این «یتیمم» وجود دارد و به نظر می‌رسد که اینها یک روایت باشند پرسش: ... پاسخ: همین است «فی الرجل یکون به القروح فی جسده فتصیبه الجنابة، قال: یتیمم» به نظر می‌رسد که اینها یک روایت باشند آن وقت مشکل هست که با توجه به تعبیر «یتیمم» که مثلاً ظهور دارد در وجوب تعیینی تیمم به آن قرینه، یعنی روایت نقلهایش کأن مختلف هست ثابت نیست که آن نقل وجود دارد ولی اصل بحث اصلی‌تر از این بحثها یک بحث دیگر هست آن این است که این روایات اصلاً چی می‌خواهند بگویند این روایتها ناظر به چی هست اصلاً این سؤالات چی هست اصلاً چه توهمی بوده که سؤ‌ال می‌کند که اصل بحث رجل «تصیبه الجنابة و به قروح أو جروح أو یکون یخاف علی نفسه البرد، فقال: لا یغتسل، یتیمم» روایتهایی که اینجا وارد شده که کسی که قروح و جروح دارد جنابت به او اصابت می‌کند اینها نمی‌تواند به اصطلاح «یخاف علی نفسه البرد» اینها در چه مقامی هست؟ من گفتم مراجعه کنید مطلبی که مرحوم آقای بروجردی دارند که فقه شیعه به منزله تعلیق بر فقه عامه هست

اینجاها خیلی مؤثر هست چون این سؤالات همه ناشی از یک فرهنگ و یک ذهنیتی هست که از فتواهای عامه ناشی شده و این سؤ‌الات به آنها ناظر هست برای شناخت ظهور روایات آن روایات خیلی مؤثر هست ببینید من مراجعه کردم دیدم که چندتا بحث جدی در میان عامه وجود دارد که این بحثها بعضی‌های لااقل می‌تواند مراد از این روایات بعضی از اینها باشد یک بحث این هست که اصلاً تیمم بدل از غسل داریم یا نداریم یا تیمم بدل از وضو هست فقط، این یک بحث هست بعضی‌ها می‌گویند که در آیه شریفه «أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ» مراد از لمس، لمس دست زدن به زن هست و وضو را باطل می‌کند و آنها هم اصلاً ناظر به مباشرت نیست که ناظر به حدث اکبر باشد اصلاً تیمم بدل از غسل نداریم اگر کسی آب نداشت نماز ساقط است اصلاً تکلیف ساقط است این یک بحث هست این یک نکته، نکته دوم این هست که حالا ما گفتیم تیمم بدل از غسل هم داریم موضوع تیمم بدل از غسل کجاست؟ پرسش: ... پاسخ: تیمم را چیز کرده باشد در مورد جنب نداریم پرسش: اتفاقاً قبلش جنب است ... غسل که ظاهراً نداریم ظاهراً در مورد تیمم باشد پاسخ: «فَتَیَمَّمُوا صَعیدًا طَیِّبًا» همین آیه که بیشتر ندارد این «... مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ» ... «وَ إِنْ کُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا» می‌گوید طهارت تحصیل کن حالا تحصیل طهارت به چی هست به آن ربطی ندارد پرسش: منشأ اینکه این تفحص را ... درست توضیح ندادید ... پاسخ: عرض کردم. اصلاً سؤ‌الات سر چی هست؟ سؤ‌ال می‌کند مگر توهم هست که واجب باشد غسل اصلاً توهم وجوب غسل می‌دهد چی هست اینها اصلاً آخر ما در ذهنیت شیعه داریم خب می‌گوییم تیمم دو جور تیمم داریم تیمم بدل از غسل تیمم بدل از وضو امثال اینها در این ذهنیت اصلاً این حرفها این روایات سؤ‌الشان یک مقداری به اصطلاح یک چیز خاصی را به ذهن انسان می‌دهد پرسش: ... پاسخ: نه از این جهت که این روایاتی که این همه روایات حالا یک مورد یک شخصی یک مسئله بلد نباشد خیلی در فضا نباشد همین مسئله سربازی شما ولی این قدر این روایات زیاد است ایشان یک روایت آورده بیست تا روایت باید باشد در این مسئله این همه روایات این چی هست که این همه روایات کثرت روایات ایجاد شده این یک نکته،‌نکته دوم که خب

حالا گفتیم تیمم بدل از غسل هم داریم موضوع تیمم بدل از غسل کی هست؟ جایی که اصلاً آب نداشته باشد یا آب ضرر داشته باشد پرسش: این آیه 6 مائده «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَی الصَّلاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَکُمْ وَ أَیْدِیَکُمْ إِلَی الْمَرافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِکُمْ وَ أَرْجُلَکُمْ إِلَی الْکَعْبَیْنِ وَ إِنْ کُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَ إِنْ کُنْتُمْ مَرْضی أَوْ عَلی سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْکُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَیَمَّمُوا صَعیدًا طَیِّبًا» ... پاسخ: خب آن «فَاطَّهَّرُوا» است دیگر ربطی به این ندارد پرسش: ... پاسخ: نه بحث این است فرع بر کدام است پرسش: ... پاسخ: نه جنباً است «إِنْ کُنْتُمْ مَرْضی» ... پرسش: ... پاسخ: نه آیه را یک بار دیگر بخوانید؟ «إِذا قُمْتُمْ» وضو است دیگر اولی وضو است دومی «وَ إِنْ کُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَ إِنْ کُنْتُمْ مَرْضی أَوْ عَلی سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْکُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ»‌... پرسش: ممکن است ما بگویمی مسئله داخل پرانتز است ... پاسخ: داخل پرانتز نیست ببینید این سه فرع دارد می‌گوید اگر توانستید وضو بگیرید توانستید غسل کنید یک فرع دیگری در مورد وضو گفته باشد داخل پرانتز نیست پرسش: اصلش این است که به اقرب بخورد باید ... پاسخ: بحثهای چیز که نداریم که پرسش: ... پاسخ: بحث ظهورات که اینکه ظهور آیه چی هست چی نیست بحث این نیست که آیه نص نیست در اینکه حتماً به جنب می‌خورد پرسش: به جنب حداقلش ... پاسخ: نه حداقلش هم ندارد نه به اقرب و اینها کار ندارد و قدر متیقنش هم نیست می‌گوید اگر مریض شدید «فَلَمْ تَجِدُوا ماءً» ماء را دریافت نکردید، ماء را برای چی دریافت نکردید برای وضو یا برای غسل می‌گویند نه اطلاق ندارد حالا نمی‌خواهم چیز کنم اثبات چی بکنم و امثال اینها بحث این هست که به هر حال یک چنین حرفهایی زدند و یک بحث بسیار قدیمی است زمان ابن مسعود و نمی‌‌دانم عمر می‌گفته تیمم بدل از غسل نداریم می‌گفته نداریم بعضی‌ها می‌گفتند داریم روایت از عمران بن حسین هست روایت عمار هست یک بحثهایی خیلی خیلی قدیمی این مطرح بوده بنابراین یک بحث این هست که اصلاً تیمم بدل از غسل داریم یا نداریم بحث دوم نه حالا تیمم بدل از غسل داریم در چه زمانی هست در زمانی که اصلاً آب نداریم «فَلَمْ تَجِدُوا ماءً» یا جایی که آب داریم استعمال آب ضرر دارد حرجی

هست امثال اینها یک قول دیگر این هست که می‌گویند این «فَلَمْ تَجِدُوا ماءً» در صورتی که آب نداشته باشیم تیمم بدل از غسل مشروع است والا آب داشته باشد ولو حرجی هم باشد باید با همان آب غسل کند باید غسل کند و اینجاها کأن حرج رافع وجوب غسل نیست این هم دو مرحله، مرحله سوم یک قول دیگر اینجا هست تفصیل قائل شدند گفتند که اگر خودش را جنب بکند باید حتماً غسل کند ولی اگر احتلام عارضش بشود آن نه لازم نیست تعبیرات روایات بعضی‌هاشان «تصیبه الجنابة» هست بعضی‌هاشان «تجنب» هست البته به نظر من «تجنب» اعم از «تصیبه الجنابة» هست ولی ممکن است حالا کسی بگوید که اینجا مراد از تجنب مثلاً جنابت اختیاری هست البته یک سری روایات اصلاً تصریح به این تفصیل داریم در روایات ما بعضی روایات تصریح می‌کند که اگر جنابت اختیاری باشد باید غسل کند اگر جنابت اضطراری باشد آن تیمم چیز هست پرسش: ... پاسخ: اصلاً بحث در صورت حرج است دیگر.

یک سری روایات هم داریم می‌گوید اصلاً کلاً باید هر چی سخت هم باشد غسل باید بکنند هر چی سخت باشد به هر حال یک چنین روایاتی را هم داریم که به هر حال می‌گوید هر چی سختی هست اگر در حدّی باشد که به مرگ و کشتن و آن طور چیزها بخواهد بیانجامد آن نه ولی جایی که طرف مریض می‌شود مریضیش شدت پیدا می‌کند چی پیدا می‌کند ولی خوف مرگ نیست آنجا ولو مریضیش هم شدت پیدا کند باید غسل بکند در روایات ما هم همین مطلب هست ولی در اصلش هم در چیزهای سنی‌ها هم هست که بعضی‌ها این طور عقیده‌شان این هست که علی أی تقدیر باید غسل کند این هم دو مرحله. این روایاتی که حالا یک نکته چهارمی هست آن را بعداً عرض می‌کنم این روایاتی که این ما نحن فیه هست ابتداءً از سؤ‌الات ممکن است این مطلب مطرح می‌شود که آیا ممکن است منشأ سؤ‌ال این هست که اصلاً تیمم بدل از غسل مشروع هست یا مشروع نیست بعضی از این روایات می‌تواند ناظر به این جهت باشد که اصلاً تیمم بدل از غسل مشروع است یا مشروع نیست ولی یک سری روایاتی که اینجا آقای حائری نقل کردند که در آن دارد «لا یغتسل و یتیمم» «لا بأس بأن یغتسل» و امثال اینها

غسل را هم پایش را وسط کشیده ظاهر این روایات این هست که امکان غسل ولو به نحو حرجی موجود است جایی که اصلاً امکان غسل نباشد اصلاً آب نباشد هیچ آب نباشد سؤ‌ال اصلاً این باشد تیمم اصلاً مشروع هست یا اصلاً نماز نخواند امر دایر به این هست که با تیمم نماز بخواند یا نماز نخواند اصلاً اینها نمی‌گوید غسل نکند در همان روایت محمد بن مسلم که خواندم این بود می‌گوید «یتیمم» روایتی که اصلاً غسل در آن نیامده آنها را می‌توانیم حمل کنیم که سؤ‌ال ‌از این بوده است که آیا تیمم بدل از غسل مشروع هست یا مشروع نیست ولی این سؤ‌الات با توجه به جواب به نظر می‌رسد ناظر به مسئله دوم است که در جایی که بحث سر این نیست که تیمم بدل از غسل مشروع است یا مشروع نیست به طور کلی در جایی که بخواهد غسل بکند سختی دارد بخصوص سؤ‌الات را ببینید «و به قروح أو جروح» مشکل، مشکل قروح و جروح است «أو یکون یخالف علی نفسه البرد» من تصور می‌کنم همه این روایات ناظر به این جهت است نکته‌هایی که در روایات اخذ شده نکته آب نداشتن نیست نکته این هست که یک مشکلی دارد که نمی‌تواند آب را مصرف کند «تصیبه به قروح و جروح» «یکون یخالف علی نفسه البرد» سؤ‌ال در این صورت هست که آیا در این صورت حتماً باید غسل کند یا نه تیمم می‌تواند بکند و باید تیمم کند سؤ‌الات در این فضاست ببینید من مراجعه‌ای که کردم هیچ ندیدم کسی قائل به این باشد که مثلاً مخیر است می‌خواهد غسل کند می‌خواهد تیمم بکند گویا اصلاً این امر مفروغ عنه است یا وظیفه‌اش غسل است یا وظیفه‌اش تیمم هست هیچ موردی که بشود یک تصریحی به این معنی در کلمات سنی‌ها بر اینکه خب مخیر است خواست غسل کند خواست تیمم کند امثال اینها ندیدم به نظرم در این فضا اصلاً فضا فضای این نیست که آیا مثلاً می‌شود تیمم کرد یا نمی‌شود تیمم کرد ... اصلاً سؤ‌ال از این نیست که تیمم می‌شود کرد نمی‌شود کرد یا نه؟ سؤ‌ال این هست که تیمم مشروعیت دارد که بر فرض مشروعیت تعیّن دارد یا اینکه باید غسل کرد دوران امر بین نمی‌دانم مخیر بودنِ‌بین تیمم و غسل یا تعیّن غسل امثال اینها نیست بحث سر این هست که اگر تیمم مشروع باشد تعیّن دارد بحث سر مشروعیت تعیّن و عدم مشروعیتش است

می‌گوید اگر تیمم مشروع باشد تعیّن چیز هست اگر هم مشروع نباشد غسل تعیّن دارد این فضایی که وجود دارد در این فضاست و این خیلی مهم است شناخت این فضا برای اینکه بفهمیم اصلاً نمی‌‌دانم این در مقام توهم حذر هست نیست اصلاً این بحثها نیست آنکه هست بحث این است که آیا تیمم در این صورتها مشروع هست یا مشروع نیست و این روایات می‌خواهد بگوید تیمم مشروع هست و متعین است وقتی مشروع شد متعین هم ظاهراً می‌شود پرسش: ... پاسخ: نه بحث این است بین مشروعیت تیمم و تعیّن تیمم یک نوع ملازمه‌ای آنجا بوده یعنی دو قول آنجا هست می‌گویند یا تیمم یا غسل تخییر اصلاً مطرح نیست بنابراین اگر امام گفت تیمم یعنی حتماً باید تیمم کنید عزیمت است کما اینکه در بعضی روایات دیگر ما داریم می‌گوید غسل باید بکنید یک سری روایات دیگر داریم می‌گوید غسل باید بکنید آن هم می‌گوید عزیمت است احتمال مخیر بودن بین تیمم و غسل اصلاً مطرح نبوده که این روایات بتواند ناظر به آن جهات باشد در فتاوای عامه هم مطرح نیست اصلاً که مخیر بین اینها باشد بحث سر این هست که اگر تیمم مشروع باشد تعیّن هم دارد اگر مشروع نباشد خب باید غسل کند پرسش: عامه به چی فتوی می‌دادند که اهل بیت (علیهم السلام) در مقابلش این طوری ... پاسخ: بعضی‌هایشان می‌گفتند مشروع نیست می‌گفتند تیمم مشروع نیست باید غسل کنی حتی اگر حرجی هم باشد حتماً باید، یا تفصیل بین نمی‌دانم اجناب نفس اجناب غیر این در روایات ما هم این روایات وارد شده که حالا یا باید حمل به ... نمی‌دانم به نظرم آنها حمل استحباب و آنها مشکل هست در آن فضا کردن چون یک سری روایات هم اینجا وارد شده در تعیّن غسل و امثال اینها آنها را باید حمل به تقیه و امثال اینها کرد حالا آن بحثهایی دارد. پرسش: ... اینکه مثلاً چه احتلامی باشد چه اجنابی باشد در هر صورت تیمم هست ... پاسخ: بله «تصیب الجنابة» ظاهرش احتلامی هست. پرسش: ... پاسخ: نه از آن طرف می‌خواهید بگوید کدام طرف قضیه را می‌خواهید بگویید اینکه حتی اجناب چیز هم از امثال اینها حالا آنها چیزهایی هست.

غرض من این نکته‌ای نیست که حالا این روایات را چطوری می‌خواهیم جمع کنیم جمع نکنیم در روایات ما سه دسته ما روایات داریم یعنی همین فتواهایی که عامه دارند در روایات ما هم هست بعضی روایتها می‌گوید غسل کنند بعضی روایتها می‌گوید تیمم کنند بعضی روایتها می‌گوید که خودش اجنب غسل کند اگر احتلام حاصل شد تیمم کند حالا آیا اینها مقید آن رافع آن چیزها هست نیست یک سری بحثهایی هست من در مقام آن جمع بین روایتها نیستم غرض من این نکته هست که اصلاً در فضای حاکم در فتواهای اهل تسنن این احتمال اینکه این امر تخییری باشد اصلاً نمی‌رود بحث تخییر و امثال اینها این بحثها اینها بحثهایی هست که ما در ذهنیت اصولی مجرد از واقعیتهای خارجی حدیثی داریم به احادیث نگاه می‌کنیم ... دو نکته روشی اینجا وجود دارد یکی اینکه ما یک روایت را به تنهایی نگاه نکنیم فرض کنید روایت محمد بن مسلم را می‌بینیم ببینیم از محمد بن مسلم روایت دیگری وجود دارد ندارد این نقلیات چطوری است امثال اینها نکته دوم اینکه ما مجموع روایات را نگاه کنیم تمام روایتهای باب را در یک موضوع ببینیم سعی کنیم که این حجم روایات را دنبال یک مقدار شأن نزول و امثال اینها بگردیم نکته مهمتر که نکته اصلی هست برای شناخت صحیح روایات و فهم ظهور روایات عمدتاً باید فتواهای خیلی مؤثر است اصلاً اینها چی می‌خواهند بگویند آن فضای حاکم بر روایات فضای فتواهای اهل تسنن است در این فضا این روایات اصلاً غیر از ظهور در تعیینیت چیزی از این نمی‌شود فهمید پرسش: ... پاسخ: من یکی مغنی ابن قدامه نگاه کردم یکی بدایة المجتهد ابن رشد بود نگاه کردم بدایة المجتهد کتاب جمع و جور خیلی خوش نظمی هست خیلی کوچک و خوش نظمی است نظم و انضباطش پرسش: ... پاسخ: ابن رشد نمی‌دانم مذهبش چی هست خیلی خوش ترتیب هست یعنی خلاصه هم هست یک کتابی هست که مجموعه‌اش در دو جلد است که در یک جلد چاپ شده خیلی چیزها را پرسش: ... پاسخ: چکیده‌ای از بحثهایی که در مورد چیز هست ابن رشد کتابش خیلی جالب است مغنی ابن قدامه هم خب گسترده‌تر هست استدلالها را می‌آورد بحثها را می‌کند و امثال اینها آن خیلی ابن رشد هم به استدلال اشاره می‌کند ولی

اشارات کوتاه است پرسش: ... پاسخ: مغنی دوتا فهرست دارد فهرستهای خوبی دارد از فهرستها پیدا کردن مطالب روی هم رفته راحت هست پرسش: ... پاسخ: نه فقه اهل سنت چیز خاصی ندارد پرسش: ... قبلاً به این موضوع اطلاع داشتید که اقوال عامه ... پاسخ: نه برای من سؤ‌ال غریب بود اینکه سؤالات چی هست این همه سؤ‌ال هی سؤال هی سؤ‌ال این یعنی چی مثلاً یک توهم خاصی باید باشد این توهمات چی هست؟

یک نکته دیگری هم اینجا میان اهل تسنن وجود دارد من به ذهنم می‌رسید گاهی اوقات اشاره به او باشد البته مستبعد می‌دانم ولی آن هم هست آن اینکه اگر قسمتی از بدن جروح و قروح داشت همه بدن قروح و جروح نداشته باشد اصلاً قروح و جروح که معمولاً قسمتی از بدن است آیا اینجا وظیفه چی هست؟ بعضی‌ها می‌گویند که اگر اکثر اعضای بدن سالم هست آن اکثر را غسل بکند کافی است دیگر نمی‌خواهد بشوید اصلاً تیمم نمی‌خواهد بکند یک چنین چیزهایی هم هست این روایات که می‌گوید «لا یغتسل یتیمم» بگوییم که اصلاً غسل اینجاها مشروع نیست این طور نیست که اکثر بدن را بخواهد بشوید نه اصلاً تیمم اینجا مشروع است این هم در واقع نفی غسل بالمره می‌خواهد بکند تأکید بر اینکه اصلاً غسل مشروع نیست نه بدون تفصیل پرسش: یعنی اکثر بدن قروح و جروح داشته باشد قسمتی از بدن ... پاسخ: اینها گفتند که اگر کمی از قروح و جروح داشته باشد اینجا غسل می‌کند حالا نمی‌دانم روی آن قسمت جبیره‌اش دست می‌کشد یا نمی‌کشد آنها هم بالأخره بحثهایی هست الان درست یادم نیست ولی علی أی تقدیر می‌گویند تیمم مشروع نیست جایی که از اکثر بدن سالم باشد تنها کمی از بدن قروح و جروح داشته باشد و این «لا یغتسل» می‌خواهیم بگوییم که این می‌خواهد بگوید در هیچ صورتی چه قروح و جروح مثلاً امثال اینها یا فرد ظاهر قروح و جروح این هست که قسمتی از بدن اینکه تمام بدن قروح و جروح داشته باشد یا اکثر بدن ذکر می‌کنند قروح و جروح را همین طوری مطلق گذاشتند یعنی قسمت کمی از بدن این قروح و جروح هست یعنی فرد ظاهر اینها همان فردی هست که آنها می‌گویند تیمم مشروع نیست باید غسل کرد این می‌خواهد بگوید نه غسل نباید کرد

تیمم کرد این هم یک احتمالی بود که من می‌دادم اینها روایتها ناظر به آن باشد ولی بیشتر از همه به نظرم روایات ناظر به اصل آن مطلب هست که با عدم وجدان ماء ... به هر حال این احتمالات وجود دارد علی أی تقدیر حالا هر یک از این احتمالات باشد اصلاً ناظر به آن بحث تخییر و این حرفها نیست ناظر به بحث تخییر و این طور صحبتها نیست پرسش: ... اهل سنت ... آمدند سؤ‌ال پرسیدند از ... ولی اینکه صرف اینکه آمدند از حضرت پرسیدند ... پاسخ: نه اگر قرار باشد امام (علیه السلام) بر خلاف فتوای آنها که تعیینی می‌دانند باید با عبارت واضح به کار ببردند بگویند «إن شئت اغتسلت و إن شئت تیممت» باید ردع کنند این عبارتها کافی نیست برای ردع پرسش: ... پاسخ: نه اگر قرار است فتوای شرعی تخییر هست خب باید مخالفت کنند چرا مخالفت نکنند اتفاقاً اینجاها جاهایی هست که مخالفتش خیلی مهم نیست گاهی فتواهای خیلی مهم هست یکی غسل می‌کند یکی ... خودشان اختلاف هست هر کی یک طوری می‌گوید اینجاها اصلاً جای تقیه هم نیست تقیه به آن معنی نیست که اگر کسی تخییری بگوید چیزی هست حالا ممکن است نسبت به او یک جایی فتوای یکی‌شان چیز باشد از او تقیه بکنند پرسش: ولی اصولاً ائمه ما از فتاوای عامه ظاهراً چیز نمی‌کردند از روایات ... پاسخ: نه از فتاوایشان هم چیز می‌کردند پرسش: اگر حکومت بیاید پشت سرشان چرا ... پاسخ: نه لازم نیست بحث حکومت باشد پرسش: مثلاً فرض کنید ابوحنیفه یک چیزی می‌گوید که در مورد روایتی نیست مثلاً فرض کنید که فرعی از فروع است ابوحنیفه یک نظری دارد امام، یعنی دیدگاه خود مردم هم این طوری بود ... پاسخ: این را حالا من بحثش را مفصل می‌کنم گاهگاهی امام یک مطلب را می‌گویند برای تقیه امام نیست تقیه از شیعه است وقتی تقیه شیعه باشد پرسش: ... حکومت ... پاسخ: نه به حکومت هم ربطی ندارد فرض کنید در کوفه اگر یک کسی شیعه باشد از طرف مردم جانش در خطر است مشکل مردمی‌پیدا می‌کند پرسش: ... پاسخ: نه وجود دارد اینها در روایات هست می‌گوید که «أما ابوحنیفه فلا أستطیع ردّه» فلان چیز را می‌گوید من نمی‌توانم ردّ کنم پرسش: امام کاظم (علیه السلام)؟ ... پاسخ: نمی‌دانیم یکی روایات هست ابوحنیفه هست کی هست

«فلا أستطیع ردّه» یک تعبیر دارد امثال اینها پرسش: اگر زمان امام کاظم (علیه السلام) ... پاسخ: نه، ظاهراً ابوحنیفه است اشتباه نکنم می‌گوید حرف ابوحنیفه را من نمی‌توانم ردّ کنم در حالی که ابوحنیفه حکومتها پشتش نبودند پرسش: ... پاسخ: شاگردهایش بودند ولی ابوحنیفه خودش چیز نبوده پرسش: ابن ابی لیلا است ... پاسخ: ابن ابی لیلا است؟ ابن ابی لیلا باشد خب عادی بوده ممکن است یک مشکل حکومتی داشته علی أی تقدیر این مطلب که حتماً، یعنی مشکل گاهی اوقات این هست که طرف نباید به شیعه‌گری مشهور می‌شده این ربطی به این چیزها ندارد حالا آن بحثها را بگذارید کنار آن بحثها اصلاً به این بحث ربط ندارد.

ببینید بحث کلیی که من می‌خواهم بکنم این است بحث روشی‌اش که می‌خواهم بگویم آن این است که شناخت فتاوای اهل تسنن در شناخت روایات ما خیلی مؤثر است نه به این عنوان که خود آن روایات فتاوای امثال اینها حجت باشد آخر بعضی وقتها بعضی‌ها خیال می‌کنند که مثلاً آقای بروجردی که می‌گوید فقه شیعه به منزله فقه عامه است یک نوع کأن تضعیف شیعه دارد می‌کند امثال اینها می‌روند در یک فضاهای دیگری که این روایات اهل تسنن هست اینها به درد نمی‌خورد و چی می‌روند در یک فضاهای خاص دیگری که آن فضا اصلاً فضای مناسبی نیست. بحث سر این هست که ما برای شناخت یک روایت باید شأن نزولش را بشناسیم و شأن نزول روایات در بسیاری از مواقع فتاوای اهل تسنن است و شأن نزول در فهمیدن ظهورات روایات نقش جدی دارد این است که من تصور می‌کنم مجموع روایات را که آدم با فتواهای اهل تسنن با همدیگر خوب نگاه کند و دقت کند تردید نمی‌کند که تیمم در موارد حرج عزیمت است نه رخصت است عزیمت است این روایات ناظر به این است که باید تیمم کنید و ظهور روایات در تعیینیت تیمم غیر قابل انکار هست این حالا یک ریزه‌کارهایی دارد پرسش: ... در جایی که تعارض اخبار هست ... پاسخ: خب بله آنکه طبیعی است نه آنکه آقایان دیگر که می‌گویند آنجا که به عنوان یکی از مرجحات مخالفت عامه هم پرسش: ... تعارض هست اول کاری سریع ببینیم عامه اینجا چی ...

پاسخ: نه اول کار نه اول کار این است که جمع عرفی اول کار این حرفها نیست ترتیبی دارد آن ترتیب را باید رعایت کرد.

«و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین»